

مطالعه رابطه بین شادی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان

شراره مهدی زاده^۱

محمد گنجی^۲

فاطمه زارع غیاث آبادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

شادی حالتی از ذهن است که نمی‌توان تنها آن را توسط نگرش ذهنی و بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی افراد، مورد ملاحظه قرار داد. در واقع، شادی ریشه در اجتماع دارد؛ به طوری که افزایش شادی مردم، شاخص یک جامعه خوب است. بر این مبنا، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن استفاده از نظریات اندیشمندانی از قبیل گیدنز، چلبی، آرگایل گیدنز، چلبی، آرگایل، هادلر و کولمن با روش پیمایش به مطالعه جامعه‌شناختی وضعیت شادمانی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران پرداخته شود. با توجه به حجم جامعه آماری مورد نظر به میزان ۲۳۷۱۳۴۲ نفر، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر مشخص گردید. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر با استفاده از مقیاس شادکامی آکسفورد و نظر داینر و ساه، شادی را در قالب ۳ بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد؛ به طوری که در نهایت، مفهوم شادی از روایی قابل قبولی (۰/۹۱) و اعتبار صوری برخوردار می‌باشد. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین احساسات خوشایند، گرایشات مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی در بین جوانان مورد تحقیق بالاتر از حد متوسط است. در نتیجه، میزان شادی در بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. همچنین، یافته‌های پژوهش گویای این واقعیت است که اگر چه میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد بررسی کمی بالاتر از حد متوسط است، ولی کمیت روابط اجتماعی دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط است؛ این در حالی است که میانگین کیفیت روابط اجتماعی معادل ۵۹/۴۱ می‌باشد. تحلیل دو متغیره بیانگر این است که بین میزان شادی جوانان با کیفیت روابط اجتماعی و نیز با کمیت روابط اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. در نهایت، با توجه به تحلیل رگرسیونی می‌توان نتیجه گرفت که متغیر کیفیت روابط اجتماعی در مقایسه با کمیت روابط اجتماعی به میزان بیشتری در افزایش شادی جوانان موثر است.

واژگان کلیدی: شادمانی، کمیت روابط اجتماعی، کیفیت روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و جوانان

E-mail: sh.Mehdizadeh@yahoo.com

^۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

^۲- عضو هیئت علمی، دانشگاه کاشان

^۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)

مقدمه

از ابتدای تمدن بشر، انسان از اندوه و غم می‌گریزد و به شادی و نور پناه می‌برد. در واقع، شاد زیستن آرزوی دیرینه آدمی است. دنیای بدون غم و سرشار از مهربانی و شادی، آرزویی است که ریشه در خلقت و نهاد آدمی دارد؛ آرزویی که مقدمه غلبه بر تمام ناکامی‌هاست. شادی، این معجزه‌ی درونی، گره‌گشای بسیاری از رنج‌هاست (سرشار، ۱۳۸۸: ۶۲).

اهمیت شادی تا به حدی است که بعضی از متفکران و صاحب‌نظران فلسفه، شادمانی را بهترین خوبی دانسته‌اند (رنجبر، ۱۳۹۱: ۱). از نظر جامعه‌شناسی، شادی نه تنها در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد سیاسی، فرهنگی، تربیتی تأثیر همه‌جانبه دارد؛ زیرا شادی، زیرساخت بسیاری از مسائل و نیروی محرکه جامعه است. به همین دلیل همه کشورها کوشش می‌کنند که اگر نمی‌توانند همه عناصر لازم را برای بروز شادی فراهم کنند، لااقل ابتکارهایی را برای سوق دادن جامعه به سمت شاد زیستن انجام دهند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲). بر این مبنا در دنیای معاصر، سیاستگذاران عرصه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی از مراکز علمی و دانش‌پژوهی تا موسسات خدماتی و کارگری با شیوه‌های متفاوت می‌کوشند تا شادی را در نهاد آدمیان ایجاد نمایند و بدین طریق هم بر تولیدات علمی خود بیفزایند و هم بر فرآورده‌های صنعتی و خدماتی و مهم تر از همه، زندگی امن و آرام و به دور از عصبیت و پرخاش و مردمی شاد و امیدوار را مهیا نمایند. بنابراین، آرام و شاد زیستن، یک ضرورت اجتماعی است. البته شادی علاوه بر اینکه یک ضرورت اجتماعی است، یکی از نیازهای اساسی و روانی انسان است (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۴)؛ این درحالی است که علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تامین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱: ۲). رونالد اینگلهارت^۱ (۱۳۷۳) در این خصوص اظهار می‌دارد که سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه منجر و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۵). پس می‌توان گفت که غم و شادی انسان فقط مربوط به خودش نیست، بلکه با شاد یا غمگین شدن یک نفر، تمامی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ یعنی، غم و شادی، فردی نیست و در یک جا نمی‌ماند و به همه افراد سرایت می‌کند (طریقه دار، ۱۳۸۳: ۲۴). باتوجه به تأثیرات همه‌جانبه و دامنه‌دار شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و ایجاد مشکلات عدیده

^۱-Ronald Inglehart

روانی- اجتماعی، در صورت کمبود آن باید نسبت به مقوله شادی و عوامل ایجادکننده آن، مطالعه دقیق و علمی انجام شود. در این میان، پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد شادی انجام شده است، نشان می‌دهد که متغیرهای جامعه‌شناختی به‌طور موثر تغییرات سطح شادی را توضیح می‌دهند (کیم: 2011، 1). به بیانی دیگر، از آنجایی که نشاط در زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع، خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی است که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند، پس جامعه زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در این خصوص شارما و مالهورا^۱ (۲۰۱۰) دریافتند که علاوه بر شخصیت، عوامل اجتماعی نیز به همان اندازه در تعیین شادی افراد، مهم است. به عبارت دقیق‌تر، تحقیقات بسیاری از جمله لونگ^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، میلر و بویز^۳ (۲۰۰۸) و ... به نقش عواملی از قبیل میزان اعتماد، هنجارها، تعهدات و به طور کلی، میزان کیفیت تعاملات اجتماعی و کمیت تعاملات اجتماعی در ایجاد شادی تاکید نموده‌اند. داینر و بیسواس داینر^۴ نیز بر این باورند که روابط خانوادگی و دوستان صمیمی برای شاد بودن مهم هستند. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که افراد شاد در مقایسه با کسانی که رضایت کمتری از زندگی دارند، بیشتر از موهبت خانواده و دوستان خوب و روابط حمایتی برخوردار هستند. در واقع، رابطه شادی و پیوند اجتماعی چنان نیرومند است که بسیاری از روانشناسان بر این باورند که نیاز انسان‌ها به یکدیگر ریشه در ژنتیک دارد. حتی در بزرگسالی هم حضور در شبکه‌های اجتماعی که مشارکت، حمایت و لذت را فراهم می‌کنند، کارکرد ما را تا حد بسیار زیادی بهبود می‌بخشند (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۳).

همانطور که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های متعددی، اهمیت مقوله شادی و نقش عوامل جامعه‌شناختی به ویژه سرمایه اجتماعی در ایجاد نشاط مورد توجه قرار گرفته است؛ این در حالی است که زندگی شهری با شدت فشارهای روانی وارده بر انسان در چنین محیط‌هایی، اهمیت شادی را در بهداشت روانی، سلامت جسمانی، کارآمدی، بهره‌وری و مشارکت اجتماعی دوچندان کرده است. در این میان، اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۲) بر این باورند که مطالعه شادی جوانان به عنوان گروه در معرض خطر و رابطه آن با انواع سرمایه از جمله سرمایه اجتماعی از آن جهت که باعث شناخت و درک گروه‌های سنی دیگر، خانواده و

¹ - Sharma & Malhotra

² - Leung

³ - Miller & Buys

⁴ - Diener & Biswas-Diener

جامعه از آنان شده و بدین طریق تعاملات صحیح با آنها افزایش می‌یابد، حائز اهمیت ویژه است. در نتیجه، هدف اصلی در پژوهش حاضر، شناخت تاثیر سرمایه اجتماعی بر میزان شادی جوانان شهر تهران است. بر این اساس، سوالاتی که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به آن است عبارت اند از:

۱. منظور از شادی چیست؟

۲. چه رابطه‌ای بین میزان شادی جوانان و میزان تعاملات اجتماعی وجود دارد؟

۳. اعتماد و هنجارهای همیاری و به طور کلی کیفیت تعاملات اجتماعی چه ارتباطی با میزان شادی

جوانان دارد؟

شادی به عنوان مهمترین عامل سلامت روانی، از بنیادی‌ترین مفاهیم مطرح در روانشناسی مثبت‌گرا است (حنیفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰)؛ به طوری که نخستین مطالعات علمی در مورد مقوله شادی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجام شد. در این دوره، چندین روان‌شناس و جامعه‌شناس برجسته آمریکایی با الهام از عقایدی که در طول انقلاب فرهنگی به حد بلوغ رسیده بود، تلاش کردند شاخص های شادی را شناسایی کنند. ادبیات تحقیقات صورت گرفته به بررسی موضوعات مختلفی می‌پردازد؛ از شاخص های جمعیتی پیش‌بینی‌کننده شادی گرفته تا مولفه‌های فرهنگی، شخصیت، هیجانات، احساسات و سلامتی (زارعی‌متین و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). یکی از جهت‌گیری‌های اساسی در میان تحقیقات صورت گرفته، بررسی عوامل موثر بر شادمانی است؛ به طوری که نمونه‌ای از پژوهش‌هایی انجام شده در حیطه رابطه سرمایه اجتماعی و شادی، به شرح زیر است:

آندروس رودیگز پوز و ویولاوان برلپس^۱ در سال ۲۰۱۴ تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی فردی" در اروپا انجام دادند. در این مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و شادی هم در اروپا به عنوان یک کل و هم در چهار منطقه کلان‌جغرافیایی آن (شمال، جنوب، شرق، غرب) به طور جداگانه بررسی شد. با استفاده از داده‌های تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک برای ۴۸۵۸۳ نفر از ۲۵ کشور اروپایی، محققان دریافتند که سرمایه اجتماعی در سه بعد مورد نظر (اعتماد، تعامل اجتماعی، هنجارها و تحریم‌ها) برای شادی اهمیت دارد. تعامل اجتماعی غیر رسمی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی، محرک اصلی اثرات سرمایه اجتماعی در شادی می‌باشند. علاوه بر این، تفاوت های معنی‌داری در چگونگی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و شادی در سراسر مناطق مختلف اروپا وجود دارد؛ به طوری که این ارتباط در کشورهای شمال اروپا ضعیف‌تر است. در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان "آیا کاهش ارتباطات اجتماعی، شادی آمریکایی‌ها را

¹ -Andrés Rodríguez-Pose & Viola von Berlepsch

از رونق می‌اندازد؟" توسط بارتولینی^۱ و همکاران انجام شده است. محققان در این پژوهش نشان می‌دهند که بخش قابل توجهی از کاهش شادی با کاهش ارتباطات اجتماعی و اعتماد به نهادها پیش‌بینی شده است. بارتولینی و همکاران تحقیقات خود را در سه مرحله انجام دادند: اول، اجرای رگرسیون شادی که شامل شاخص های مختلف ارتباطات اجتماعی، اعتماد به موسسات، درآمد خود و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌باشد. محققان در این مرحله دریافتند که شاخص های ارتباطات اجتماعی و اعتماد به نهادها، به طور قابل توجهی با شادی در ارتباط است. مرحله دوم شامل بررسی تحول روابط اجتماعی و اعتماد به موسسات در طول زمان می‌باشد. در این مرحله، به طور کلی یافته‌ها روند رو به کاهش را نشان می‌دهند. در مرحله سوم، تغییرات در شادی در طول زمان توسط هریک از عوامل آماری معنی‌دار پیش‌بینی شده محاسبه گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که کاهش شادی را می‌توان عمدتاً از طریق کاهش ارتباطات اجتماعی و با رشد درآمد مرجع پیش‌بینی کرد (بارتولینی و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعه‌ای با موضوع "تحقیق در مورد شادی: اهمیت سرمایه اجتماعی در سال ۲۰۱۱" با تلاش لونگ و همکاران صورت گرفته است. نتایج این تحقیق گویای آن است که رابطه قابل توجهی بین شادی و هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی که توسط کلمن مطرح شده (اعتماد و تعهدات، کانال‌های اطلاعاتی، تحریم‌ها و هنجارها) وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که بین شادی و احساس تعلق به جامعه رابطه وجود دارد (لونگ و همکاران، ۲۰۱۱). رم^۲ در سال ۲۰۱۰ پژوهشی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی: شواهد فرعی بین‌المللی" انجام داد. این مطالعه با استفاده از چند نمونه مختلف، مشخصات مدل و ... نقش سرمایه اجتماعی را در ایجاد رضایت از زندگی یا شادی بررسی کرد. نتیجه اصلی این تحقیق آن است که بیشترین ارزیابی‌ها نقش معنی‌داری کمی را برای سرمایه اجتماعی در ایجاد شادی نشان می‌دهند (رم، ۲۰۱۰). "آیا سرمایه اجتماعی، شادی، سلامتی و رضایت از زندگی را در یک جامعه شهری استرالیایی پیش‌بینی می‌کند؟" عنوان مطالعه‌ای است که توسط میلر و بویز در سال ۲۰۰۸ به انجام رسیده است. تجزیه و تحلیل رگرسیون ترتیبی نشان داد که تنها دو عنصر از سرمایه اجتماعی (ارزش های زندگی و احساس امنیت و اعتماد) شادی، رضایت از زندگی و سلامتی را پیش‌بینی می‌کند (میلر و بویز، ۲۰۰۸). تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی در ایالات متحده" با تلاش بیجرن اسکو^۳ در سال ۲۰۰۸ به رشته تحریر درآمده است. این مقاله ارتباط بین سرمایه اجتماعی و میانگین شادی را در ایالات متحده بررسی می‌کند. در پژوهش فوق، سرمایه اجتماعی به

^۱ - Bartolini

^۲ - Ram

^۳ - Bjørnskov

عنوان یک مفهوم چند بعدی شامل اعتماد اجتماعی و شاخص معاشرت‌پذیری مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج این تحقیق بیانگر این است که اعتماد اجتماعی با شادی در ارتباط است (بیجرن اسکو، ۲۰۰۸). هودلر و کلمن در سال ۲۰۰۷ پژوهشی با موضوع "نقش روابط اجتماعی در شادی کودکان" انجام دادند. در این تحقیق، ارتباط بین شادی و روابط اجتماعی بین کودکان ۹ تا ۱۲ ساله مورد بررسی قرار گرفت. شرکت‌کنندگان شامل ۴۳۲ کودک و والدین آنها بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط اجتماعی، ارتباط قابل توجهی با شادی دارد (هودلر و کلمن، ۲۰۰۷).

در میان تحقیقات داخلی، پژوهشی با موضوع "بررسی تاثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان" با تلاش فاطمه اکبرزاده و همکاران در سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است. برای انجام این پژوهش، از یک نمونه‌ی ۳۸۰ نفری از ساکنان ۲۹-۱۵ سال بابلسر، استفاده شده است. نتایج تحقیق گویای آن است که متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به ترتیب اهمیت، تبیین‌کننده شادی در این تحقیق بوده‌اند. "رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان"، پژوهشی است که توسط حمید دهقانی در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای خوش‌بینی، ارضای نیازها، اوقات فراغت و اعتماد به دیگران به ترتیب بیشترین تاثیر را بر روی شادی دانشجویان دارد. تحقیقی با عنوان "تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفها" با تلاش محمد گنجی در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. تحقیق مورد نظر یک بررسی پیمایشی است. برخی از نتایج این پژوهش به شرح زیر است: متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان برخورداری از حقوق شهروندی، ورزش‌هفتگی و گوش دادن به موسیقی با احساس شادی سرپرستان دارای همبستگی مستقیم است. مطالعه‌ای با موضوع "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان" توسط مسعود چلبی و سید محسن موسوی در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روابط اجتماعی توأم با اعتماد اثر تعیین‌کننده بر شادمانی دارند و در این میان، خانواده به‌عنوان عمده‌ترین تامین‌کننده شادمانی افراد محسوب می‌شود.

در بررسی شادی، علی‌رغم اینکه در دهه‌های پیشین، تحقیقات صورت گرفته به میزان بیشتری به عوامل روانشناختی و شخصیتی تاکید داشته‌اند، اما در طی دهه‌های اخیر تعداد زیادی از پژوهشگران، شادی را از زاویه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر نیز با رویکردی جامعه‌شناختی، تاثیر سرمایه اجتماعی را بر میزان شادی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران مورد سنجش قرار می‌دهد.

ادبیات و چارچوب نظری

در ابتدا مفاهیم به کار گرفته شده در ادبیات نظری مورد واکاوی قرار می گیرد.

۱. شادی:

در اواخر قرن بیستم، با رشد خشونت و تاثرات روانی نظیر افزایش اضطراب، افسردگی و سایر بیماری‌ها، موضوع شادی و شادمانی بشر به‌عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مطرح شد. این موضوع به تازگی حتی در علوم پزشکی نیز مطرح گردیده است. محور اصلی این بررسی‌ها، عوامل تاثیرگذار بر شادی است، ولی پاسخگویی به این پرسش‌ها در گرو درک مفهوم شادمانی است (خوشاوی، ۱۳۹۰).

آلتسون و دودلی (۱۹۸۷) می‌گویند شادی عبارت است از: "توانایی لذت بردن از تجربه‌های فردی، همراه با درجه‌ای از هیجان" (حسنیان و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۳۲). به عبارت دیگر، شادی یک احساس و یا حالت ذهنی است که با احساس لذت و رضایت مشخص می‌شود (لین و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰۸۳). کار ۲ شادی را حالت روانی مثبت که با سطح رضامندی از زندگی، سطح بالای عاطفه مثبت و سطح پایین عاطفه منفی مشخص می‌شود، تعریف می‌کند (کار، ۱۳۸۷: ۱۰۴). داینر و بیسواس داینر می‌گویند پیوند اجتماعی سالم برای شادی ضروری است. از نظر آنها ویژگی افراد شاد، داشتن دوستان بیشتر و صمیمی‌تر، گرایش بیشتر به جامعه، اعتماد بیشتر به دیگران و کمک به آنها می‌باشد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۳، ۳۰۱). به بیانی دیگر، شادی به معنای دلبستگی به خود و دیگران و نقطه آغاز حرکت‌های تازه‌ای است به سوی افق‌هایی دوست‌داشتنی و خوش‌فرجام و تعبیری مثبت است از موافق بودن جریان‌حیات با نیازهای انسانی (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۵۶). منظور از شادی در پژوهش حاضر، عبارت است از: "ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن، بروز صفات و عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش‌بینی و...) و ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸).

۲. سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماع محلی، سطوح بالای تعهد یا مشارکت در شبکه‌های اجتماع محلی، احساس تجانس و برابری و هنجارهای تعمیم یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی است (کمپل و جوچ‌لویچ، ۲۰۰۰ به نقل از ایمان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۴). فوکویاما معتقد است که سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است؛ به نوعی که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در بین آنها مجاز است، در آن سهم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کند، اساساً باید شامل سجایایی از جمله صداقت، عمل به تعهدها و ارتباط‌های

1- Altson & Dudly

2- Carr

3- Fukuyama

دو جانبه باشد (سلطانی و جمالی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). پکستون (۱۹۹۹) می‌گوید از سرمایه اجتماعی تعاریف گوناگونی شده‌است که وجه مشترک آنها را می‌توان تاکید بر پیوندهای ذهنی و عینی بین کنشگران اجتماعی دانست. وولکاک^۲ (۱۹۹۸) بر این باور است که عضویت در شبکه روابط اجتماعی که جنبه ساخت اجتماعی است، جزء عینی سرمایه اجتماعی را می‌سازد و متغیرهایی نظیر اعتماد و حمایت اجتماعی عمدتاً به عنوان جزء ذهنی سرمایه اجتماعی شناخته شده است. دو عنصر ذهنی و عینی همزمان امکان عمل جمعی برای نفع متقابل را پدید می‌آورند (رضوی زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). در پژوهش حاضر، طبق نظر رابرت پاتنام^۳ سرمایه اجتماعی، به معنای مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد (رسولی و پاک طینت، ۱۳۹۰: ۶۶).

با توجه به مفاهیم ارائه شده، این پژوهش در تلاش است تا با رویکردی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه اجتماعی بر میزان شادمانی را مورد توجه قرار دهد. بنابراین در راستای این هدف، دیدگاه نظریه‌پردازانی مانند آنتونی گیدنز^۴، چلبی و سایر متفکران صاحب‌نظر تشریح می‌گردد.

الف) آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است که اعتماد، موجد احساس امنیت وجودی است که موجود انسانی را در نقل و انتقال‌ها، در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت می‌بخشد و به‌پیش می‌برد. از نظر گیدنز، شیرازه زندگی به طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. این واقعیت که رفتار آدمی به شدت تحت تاثیر تجربه با واسطه قرار می‌گیرد، همراه با قابلیت‌های حسابگرانه‌ای که عوامل انسانی از آن برخوردارند، القاکننده این معناست که هر فرد انسانی ممکن است در برابر اضطراب‌های ناشی از شغل خطیر زیستن، از پای درآید. آن مفهوم «آسیب‌ناپذیری» که احتمالات منفی را به نفع حالت امیدواری کلی، مردود و مطرود می‌شمارد، در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۳). از سوی دیگر، در اندیشه گیدنز، خلاقیت به معنای توانایی اقدام و تفکر نوآورانه در قیاس با روش‌های اجرایی مرسوم و جاافتاده با اعتماد بنیادین پیوندی نزدیک دارد. درگیری خلاق با دیگران و با دنیای عینی به طور تقریباً مسلم یکی از مولفه‌های اساسی رضایت‌روانی می‌باشد. تجربه‌خلاقیت به‌عنوان پدیده‌ای روزمره، حائل و پشت‌بند نیرومندی برای ارزش شخصی و بنابراین برای سلامت‌روانی است و هر جا که افراد نتوانند خلاقانه زندگی کنند، افسردگی‌های مالیخولیایی یا گرایش‌های شیزوفرنیایی ظاهر خواهند شد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۷). می‌توان چنین استنباط کرد که وجود اعتماد و خلاقیت منجر به کاهش افسردگی و افزایش سلامت روانی و رضایت

¹ -Paxton

² - Woolcock,

³ - Putnam

⁴ - Anthony Giddens

می‌باشد و از آنجایی که رضایت از زندگی به طور کلی یکی از مولفه‌های اساسی شادی است، پس اعتماد از طریق ایجاد احساس امنیت وجودی منجر به رضایت و در نهایت، شادی می‌شود.

(ب) چلبی

چلبی، شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت جستجو می‌کند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۸). وی معتقد است که با مراجعه به شخصیت فرد (به‌عنوان نظام تماس) می‌توان داده‌ها یا عواملی که نظام شخصیت برای نظام جامعه‌ای فراهم می‌کند مثل هوش و ظرفیت اجرا، اراده، وفاداری و بینش را در حد اولین تقرب به واقع سنجید. همچنین، به لحاظ نظری لازم است ستانده‌های نظام شخصیت در ابعاد چهارگانه مثل احساس بهبودی، احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام را سنجید. بنا به نظر چلبی، با این کار می‌توان میزان احساس رضایت و خشنودی هر فرد را در حوزه‌های چهارگانه جامعه سنجید و در همان حال ممکن است در حد اولین تقرب به واقع احساسات جمعی را در ابعاد چهارگانه جامعه به طور متوسط برآورد نمود. به یک معنا از هر جامعه سالمی انتظار می‌رود که تمامی فعالیت‌های آن حتی‌المقدور در راستای بهبود احساسات جمعی قرار گیرد، ضمن اینکه نباید فراموش نمود که متقابلاً با بهبودی در احساسات جمعی (در ابعاد چهارگانه) زمینه برای پویایی، نشاط، سرزندگی و بالندگی جامعه و در نتیجه، مقبولیت و مشروعیت برای نظام حاکم بر آن فراهم می‌شود (همان: ۵۹-۵۸)؛ البته لازم به ذکر است که پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه تا حدودی موکول به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهار حوزه می‌تواند در سطح فردی سبب‌ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه شود. همین‌طور چنانچه در اثر تحولات سریع و ناموزون اجتماعی، شرایط آنومی اجتماعی در جامعه فراهم آید، در این حالت افراد احساس سرگشتگی و ابهام در تشخیص و تمییز درست و نادرست کرده و در نتیجه، محیط اجتماعی برای شکل‌گیری و رشد فردگرایی خودخواهانه و خودسری‌های فردی مهیا می‌گردد. در این صورت، نفع جمعی تحت‌الشعاع نفع فردی قرار گرفته، نوعی بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و همچنین نهادهای اجتماعی فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، زمینه برای بروز ناخرسندی و ناشادمانی اجتماعی برای اکثریت ایجاد می‌شود (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۸-۴۰).

علاوه بر گیدنز و چلبی، اندیشمندان متعددی به طور ویژه رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را با میزان شادی مورد بحث قرار داده‌اند؛ به عنوان مثال، ماکس هالر و مارکز هادلر^۱ در بحث تاثیر ساختارها بر هیجانات و به طور خاص شادی، چهار حوزه مرتبط با هم را از یکدیگر متمایز می‌نمایند. آن چهار حوزه عبارت‌اند از:

- شبکه‌ها و روابط اساسی شخصی (بافت اجتماعی خرد)

^۱ - Max Haller & Markus Hadler

- همبستگی‌ها و وابستگی‌های اجتماعی - فرهنگی و نوع دوستی (بافت اجتماعی خرد)
- مشارکت‌ها و موفقیت‌های شغلی و وضعیت پایگاه اجتماعی (بافت اجتماعی خرد)
- بافت نهادی و کلان اجتماعی - سیاسی (بافت اجتماعی کلان)

در واقع، آنچه هالر و هادلر در بافت اجتماعی خرد بر آنها تاکید می‌کنند، شامل پیوندها و تعاملات اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وابستگی‌ها و تعلق‌های اجتماعی، نوع دوستی و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی اشخاص است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹).

به عبارتی دقیق‌تر، طرفداران نظریه شبکه بر این باورند که وجود شبکه‌های اجتماعی به صورت حایلی در مقابل فشارزای درونی عمل می‌کند؛ به نحوی که فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها و فرصت‌هایی برای اعمال اجتماعی معنی‌دار در قالب سرمایه اجتماعی، اثر بسیار مهم و موثری بر عزت نفس افراد و افزایش توان مقابله با مشکلات و افسردگی‌ها دارد و در نهایت به احساس سلامت روانی منجر می‌شود (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). در این خصوص پوتنام و همکاران در تحقیقی که با همکاری دانشگاه هاروارد و مرکز بشردوستی دانشگاه ایندیانا انجام دادند، دریافتند افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتر دارند و بهتر می‌توانند با مردم رابطه برقرارکنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌تر هستند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۳). از نظر داینر و بیسواس داینر نیز رابطه (اجتماعی) امکان دوست داشتن و دوست داشته شدن را برای ما فراهم می‌کند. روابط به ما امکان می‌دهد تا احساس ایمنی، اهمیت و ارزشمندی کنیم (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۸). فرانسیس بیکن^۱ (۱۶۲۵) معتقد است که پیوند با دوستانی که ما می‌توانیم صمیمیت خود را با آنها تقسیم کنیم، دو اثر می‌تواند داشته باشد: شادمانی را دو برابر می‌کند و اندوه و غصه را به نصف تقلیل می‌دهد (مظفری و هادیان فرد، ۱۳۸۳: ۸۷).

در تایید مطالب فوق تحقیقات نشان می‌دهد که روابط دوستانه و فعالیت‌های اجتماعی به شدت با شادی در ارتباط است و نه تنها روابط مثبت با همسالان باعث افزایش شادی می‌شود، بلکه تعاملات اجتماعی منفی ممکن است شادی را کاهش دهد و سپس تعاملات اجتماعی را کاهش می‌دهد. به‌عنوان مثال، تجارب منفی با دیگران از جمله داشتن درگیری در روابط، با کاهش شادی همراه است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نه تنها دوستان و خانواده با شادی در ارتباط هستند، بلکه آنها ممکن است نقش علی مهمی را ایفا کنند (هودلر و کولمن: ۲۰۰۷، ۵). همچنین، لونگ و همکارانش به این نتیجه رسیدند زمانی که روابط قوی درون جامعه توسعه می‌یابد و افراد می‌توانند بدون هیچ هزینه‌ای رفتار یکدیگر را نظارت کنند، شادی بیشتر می‌شود (وولکوک، ۱۹۹۸: ۱۵۵). علاوه بر این، اندیشمندانی چون: پولنر^۲، مایزر^۳، آرگایل^۴، هیلز^۱

¹ - Francis Bacon

² - Pollner

³ - Myers

⁴ - Argyle

برواح^۲ و وینهوون و کالمیجن^۳ نیز هرکدام بر تاثیر روابط اجتماعی و مشارکت‌های مذهبی - اجتماعی در افزایش شادی تاکید کرده‌اند تا جایی که وینهوون و کالمیجن، ورود انسان‌ها به انجمن‌ها را اصل دانسته و معتقدند هرچه ورود انسان‌ها به انجمن‌ها (تحمل دیگران، اعتماد به مردم و فعالیتهای داوطلبانه) بیشتر شود، مردم زندگی شادتری خواهند داشت (وینهوون و کالمیجن ۲۰۰۵ به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

حمایت اجتماعی و هنجارهای همیاری، یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی است. در اندیشه وایتفورد^۴ هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی‌تر باشند، از سلامت روانی کمتری برخوردارند و برعکس، هرچه پیوستگی اجتماعی بیشتر باشد، آن جامعه سالم‌تر خواهد بود (ایمان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۹). لو^۵ معتقد است حمایت اجتماعی اثرات رویدادهای استرس‌زا را تعدیل می‌کند و به تجربه عواطف مثبت می‌انجامد (بخشی - پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۷). در این راستا، دیمائو می‌نویسد: "اعتقاد بر این است که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با تنیدگی و استرس به فرد کمک می‌کند: اولاً، اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموسی را به شکل منابع مادی در اختیار یک شخص قرار دهند. ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی می‌توانند با پیشنهاد اقدامات متنوعی، فرد را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازند و این اقدامات می‌تواند به حل مشکلی که موجب تنیدگی و استرس شده، کمک کند. این پیشنهادها به شخص کمک می‌کند تا به مشکل از دیدگاه جدیدی نگاه کند. بدین ترتیب، آن را حل کرده یا آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند. ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می‌توانند با اطمینان بخشی دوباره به فرد، در خصوص اینکه او شخص موردعلاقه، با ارزش و محترم است، از وی حمایت عاطفی به عمل آورند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵). به بیانی دیگر، یکی از سازوکارهایی که حمایت اجتماعی از طریق آن بر کیفیت زندگی و شاخص‌های آن اثر می‌گذارد عبارت است از برداشت از خود و مفهوم خود که به لحاظ روان شناختی منبع مهمی برای انطباق با موقعیت‌های استرس‌زای زندگی است. از سوی دیگر، حمایت اجتماعی از طریق افزایش احساس خود ارزشمندی و کنترل بر روی امور به ارتقای سطح سلامت کمک می‌کند. یافته‌های تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی می‌تواند کارکردهای مثبتی برای سلامت روانی و سلامت جسمانی داشته باشد (گروسی و شبستری، ۱۳۹۰: ۶).

کاکس^۶ با تاکید بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای، این نکته را خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد در میان افراد، ارتباط اعضای خانواده، دوستان و همسایگان، همکاران و... موثرتر می‌شود. در صورتی که فقدان اعتماد، با عدم پیروی از قوانین، رفتار ضد اجتماعی،

¹ - Hills

² - Borooah

³ - Veenhoven & KALMIJN

⁴ - Whiteford

⁵ - Lu

⁶ - Cax

خودکشی، خشونت و سایر مشکلات اجتماعی همراه خواهد بود. به نظر او، بسیار مشکل است که جماعتی را بدون آنکه اعتمادشان را جلب کرده باشیم، بتوانیم متقاعد کنیم که سبک زندگی سالم‌تری در پیش بگیرند. از این رو، گسترش شعاع اعتماد و همکاری اعضای یک جامعه، غنای سرمایه اجتماعی و به تبع آن کاهش اختلالات و نابه سامانی‌های روانی و اجتماعی را در پی خواهد داشت (بهزاد، ۱۳۸۱: ۵۰). به اعتقاد ترنر^۱ با گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه گسترش دامنه روابط اجتماعی، فرد می‌تواند در شرایط نامطلوب، به کمک این افراد با آن شرایط مقابله کند و همین امر باعث می‌شود فشار روانی برآمده از چنین شرایطی را کاهش دهد. همچنین، مشارکت اجتماعی ناشی از اعتماد، احساس شادابی فرد را تقویت می‌کند و از این راه به بهبود سلامت جسمی و روانی او کمک می‌کند (ترنر، ۲۰۰۳). به نقل از نوریان نجف‌آبادی و جهانگیر، ۱۳۹۰: ۴۴). از نظر کاواچی^۲، اگر اعتماد اجتماعی در حد مطلوبی باشد، موجب مشارکت بیشتر افراد در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود و مشارکت بیشتر هم به دستیابی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی بیشتر می‌انجامد. به این ترتیب، سطح سلامت جسمی و روانی افراد بهبود می‌یابد. برعکس، هنگامی که مشارکت افراد ضعیف است، سطح فراگیری بی‌اعتمادی، پیامدهای مصیبت‌باری برای سلامتی و بهداشت روانی افراد دارد (نوریان نجف‌آبادی و جهانگیر، ۱۳۹۰: ۴۳). دولان و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در مروری بر بیش از ۱۰۰ پژوهش، اعتماد را توسط یک تنوع روشی از قبیل اعتماد بیشتر به دیگران و اعتماد به نهادهای عمومی، اندازه‌گیری کردند و نشان دادند که اعتماد قویا با شادی رابطه دارد. به علاوه، تاو^۴ و داینر (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که کشورهای شادتر، امتیاز بالاتری در اعتماد تعمیم یافته، حضور داوطلبانه در گروه‌ها و گرایش‌های دموکراتیک‌تر به دست آورده‌اند (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴).

در نهایت، باتوجه به مباحث نظری فوق، فرضیات زیر شکل گرفت:

- بین میزان شادی و میزان سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین میزان شادی و میزان کیفیت روابط اجتماعی (اعتماد و هنجارهای همیاری) رابطه وجود دارد.
 - بین میزان شادی و کمیت روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- علاوه بر فرضیه‌های فوق، فرضیات دیگری از قبیل رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با هر یک از ابعاد شادی یعنی میزان بعد احساسی، اجتماعی و شناختی شادی مورد سنجش قرار گرفته است.

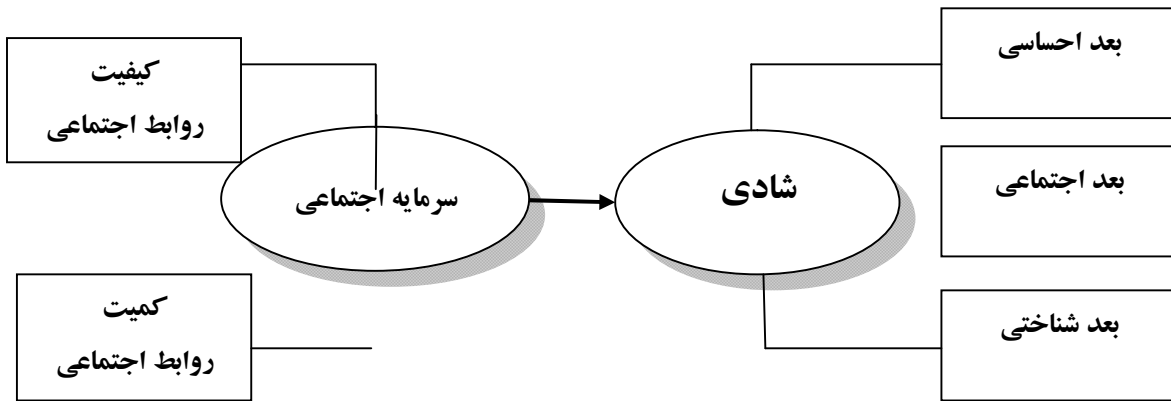
1- Turner

2 - Kawachi

3 - Dolan et al

4 - Tov

مدل نظری پژوهش



روش شناسی پژوهش

این پژوهش، با روش پیمایش مقطعی و با استفاده از تکنیک پرسش نامه انجام گرفته است. در مطالعه حاضر، جامعه آماری مورد نظر شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران می باشد که مطابق سرشماری عمومی نفوس مسکن ۱۳۹۰، ۲۳۷۱۳۴۲ نفر گزارش شده است. لذا به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده شده است؛ به طوری که در نهایت حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، احتمال وجود صفت معین در نمونه $P=0/5$ و دقت برآورد $d=0/05$ برابر با ۳۸۴ جوان تعیین شد. لازم به ذکر است که برای توزیع پرسش نامه‌ها روش خوشه‌ای انتخاب گردید.

در پژوهش حاضر، اعتبار ابزارها بوسیله اعتبار صوری، توسط چند تن از اساتید جامعه شناسی بررسی و پایایی آنها بوسیله آلفای کرونباخ تعیین شده است. جدول زیر نشانگر روایی مناسب متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱: میزان روایی مفاهیم اصلی پژوهش بر اساس آزمون کرونباخ

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفا
بعد کمیت روابط اجتماعی	۴	۰/۶۰
بعد کیفیت روابط اجتماعی	۱۲	۰/۵۹
مفهوم سرمایه اجتماعی	۱۶	۰/۶۰
بعد احساسات مثبت	۱۱	۰/۸۳
بعد گرایش‌های مثبت اجتماعی	۶	۰/۶۶
ارزیابی مثبت از زندگی	۵	۰/۸۷
مفهوم شادی	۲۲	۰/۹۱

تعاریف عملیاتی و نحوه سنجش متغیرها

الف) شادی

پژوهش حاضر با استفاده از مقیاس شادکامی آکسفورد و نظر داینر وساه، شادی را در قالب ۳ بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که در این پژوهش، پرسش‌نامه آکسفورد با اندکی تغییرات در قالب طیف لیکرت با گزینه‌هایی از قبیل اصلاً، خیلی کم، کم، تاحدودی، زیاد و خیلی زیاد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مطالعه، مؤلفه‌های شادی در قالب سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

- بعد احساسی با مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی مانند احساس خوشحالی، احساس امیدواری به آینده، احساس کنترل بر تمام جنبه‌های زندگی، احساس خوش‌بینی و مثبت‌نگری و...
- بعد شناختی با مؤلفه‌هایی چون: رضایت از زندگی، رضایت از بخش‌های متعدد زندگی و ...
- بعد اجتماعی با مؤلفه‌هایی از قبیل علاقه داشتن به انسان‌های دیگر و دوست داشتن آنها، تاثیر خوب و مثبت بر وقایع، شوخ‌طبعی و...

ب) سرمایه اجتماعی:

در این بررسی بر اساس نظرات پاتنام، فوکویاما، پاکستون و ... سرمایه اجتماعی در دو بعد کمیت و کیفیت روابط اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. در زیر به توضیح مختصری از هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱. بعد کمیت روابط اجتماعی (ساختار روابط اجتماعی)

یکی از اجزای سرمایه اجتماعی، پیوندهای عینی بین افراد است که دلالت بر ارتباطات و تماس‌های افراد با یکدیگر دارد. افراد می‌توانند از طریق دوستی‌ها و دیگر انواع روابط شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند (میرزاییگی، ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶). در پژوهش حاضر این بعد از طریق شاخص‌هایی از قبیل میزان ارتباط با اعضای خانواده، دوستان، همکلاسی‌ها و ... مورد سوال قرار گرفته است.

۲. بعد کیفیت روابط اجتماعی

در این پژوهش، بعد کیفیت روابط اجتماعی با دو مؤلفه اعتماد و هنجارهای همیاری سنجش شده است.

۱-۲- تعریف نظری و عملیاتی اعتماد

کریستوفر مور اعتماد را عبارت از قابلیت شخص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگری می‌داند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در پژوهش حاضر طبق نظر پاتنام (۱۳۸۰) مفهوم اعتماد در دو بعد اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی سنجش شده است.

۲-۲- تعریف نظری و عملیاتی هنجارهای همیاری

مشخصه هر عمل در یک نظام همیاری معمولاً ترکیبی از نوع دوستی کوتاه مدت و نفع شخصی بلندمدت است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۷۹ به نقل از جلیلیان، ۱۳۸۶: ۱۲۳). حسین پور پس از بررسی پژوهش‌های مختلف در مورد سرمایه اجتماعی، برای سنجش هنجارهای همیاری به دو رویکرد رفتارهای عینی و عمل متقابل و رویکرد رفتارهای ذهنی یا فرهنگ متقابل رسیده است (حسین پور، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز هنجارهای همیاری با مولفه فعالیت‌های عینی نوع دوستانه و رفتارهای ذهنی یا فرهنگ عمل متقابل سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

۱. ویژگی‌های فردی و خانوادگی پاسخگویان

نتایج پژوهش حاکی از این است که طیف سنی جوانان پاسخگو از ۱۸ تا ۲۹ سال می‌باشد. با توجه به توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت می‌توان گفت که بیش از نیمی از پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند. قومیت جوانان مورد بررسی نشان می‌دهد که قومیت فارس با ۶۶٫۷ درصد و سپس قومیت ترک با ۲۰٫۶ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. سطح تحصیلات پاسخگویان گویای این واقعیت است که دارندگان مدرک دیپلم و سپس افراد دارای مدرک لیسانس بیشترین فراوانی را دارند. علاوه بر این، ۳۰٫۲ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که پدرشان دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند، در حالی که تنها ۶٫۲ درصد از آنها گفته‌اند که پدرانی دارند که دارای سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند. همچنین، ۳۳٫۱ درصد از پاسخگویان در بیان سطح تحصیلات مادرشان، گزینه دیپلم و ۲۰٫۱ درصد از افراد نمونه گزینه سیکل را انتخاب نموده‌اند.

۲. توصیف شادی:

جدول ۲: توصیف ابعاد و مفهوم شادی (متغیر وابسته)

مفاهیم و ابعاد	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد احساسی	58.3333	19.07935	100.00	.00	100.00
بعد اجتماعی	65.0208	17.48105	100.00	.00	100.00
بعد شناختی	60.5729	19.29853	100.00	.00	100.00
مفهوم شادی	59.7997	17.38501	100.00	.00	100.00

منطبق با اطلاعات جدول فوق می‌توان گفت که در میان ابعاد شادی، بعد گرایش مثبت اجتماعی و سپس بعد شناختی یا ارزیابی از زندگی به ترتیب با میانگین (65.0208) و (60.5729) بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند (در بازه صفر تا صد). با توجه به اینکه در بین پاسخگویان، میزان احساسات خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی دارای میانگینی بالاتر از حد متوسط است، میزان شادی در بین جوانان مورد تحقیق کمی بالاتر از حد متوسط است.

۳. توصیف سرمایه اجتماعی:

جدول ۳: توصیف ابعاد، مولفه‌ها و مفهوم سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)

مفاهیم و ابعاد	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد کمیت روابط اجتماعی	38.6126	22.65887	100.00	.00	100.00
بعد کیفیت روابط اجتماعی	50.6511	16.00085	100.00	.00	100.00
مولفه اعتماد	45.3693	17.94292	100.00	.00	100.00
مولفه هنجارهای همیاری	59.4113	19.10340	100.00	.00	100.00
مفهوم سرمایه اجتماعی	51.5298	16.42081	100.00	.00	100.00

در پژوهش حاضر، کیفیت روابط اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. در این مطالعه، متغیر کیفیت روابط اجتماعی از طریق دو مولفه اعتماد و هنجارهای همیاری سنجیده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه میانگین کیفیت روابط اجتماعی در بین افراد پاسخگو در حد متوسط می‌باشد، ولی میانگین اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های کیفیت روابط اجتماعی، پایین‌تر از میانگین شاخص است و هنجارهای همیاری که شامل رفتارهای عینی نوع دوستانه و فرهنگ همیاری است، از میانگینی معادل 59.4113 و بالاتر از حد متوسط برخوردار می‌باشد.

در این پژوهش، کمیت روابط اجتماعی، یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی است که با توجه به داده‌های جدول ۳ دارای میانگینی پایین‌تر از سطح متوسط است. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که میانگین سرمایه اجتماعی برابر ۵۱٫۵۲ می‌باشد و این میزان کمی بالاتر از حد متوسط است.

ب) یافته‌های تحلیلی

۱. تحلیل دو متغیره

جدول ۴: همبستگی پیرسون بین ابعاد، مولفه‌ها و مفهوم سرمایه اجتماعی و میزان شادی و ابعاد آن

متغیر	آماره	بعد احساسی	بعد اجتماعی	بعد شناختی	مفهوم شادی
مولفه اعتماد	ضریب همبستگی	.116*	.129*	.160**	.161**
	سطح معناداری	.024	.012	.002	.002
مولفه هنجارهای همیاری	ضریب همبستگی	.238**	.250**	.124*	.259**
	سطح معناداری	.000	.000	.015	.000
بعد کیفیت روابط اجتماعی	ضریب همبستگی	.223**	.239**	.177**	.264**
	سطح معناداری	.000	.000	.001	.000
بعد میزان تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	.078	.218**	.167**	.167**
	سطح معناداری	.129	.000	.001	.001
مفهوم سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	.207**	.287**	.209**	.279**
	سطح معناداری	.000	.000	.000	.000

مهم‌ترین نکاتی که می‌توان از جدول فوق استنباط کرد، عبارت اند از:

- فرض وجود رابطه معنادار میان شادی جوانان و اعتماد با سطح معناداری $0,00$ تأیید می‌گردد. شدت همبستگی در این رابطه معادل با $0,16$ و جهت رابطه نیز مثبت است؛ این بدین معناست که با افزایش میزان اعتماد جوانان، بر میزان شادی آنها نیز افزوده می‌شود. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاکی از این واقعیت است که افزایش میزان اعتماد، افزایش احساسات خوشایند، گرایش‌های مثبت اجتماعی و ارزیابی مثبت از زندگی را به همراه خواهد داشت.
- با توجه به وجود رابطه معنادار بین میزان شادی و هنجارهای همیاری و همچنین هر یک از ابعاد آن می‌توان گفت که هرچقدر رفتارهای نوع‌دوستانه (از قبیل کمک به مستمندان) و فرهنگ عمل متقابل (همچون تمایل به شرکت در طرح اهدای عضو و...) و به طور کلی هنجارهای همیاری در بین اشخاص به میزان بیشتری وجود داشته باشد، افراد به میزان بیشتری از عواطف خوشایند، علائق مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی برخوردار خواهند بود و در نهایت شادی بیشتری را تجربه می‌کنند.
- همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، رابطه‌ای مثبت بین میزان شادی و کیفیت روابط اجتماعی جوانان وجود دارد. این نکته در مورد هر یک از ابعاد شادی یعنی بعد احساسی، اجتماعی و شناختی نیز صادق است. لازم به ذکر است که کیفیت روابط اجتماعی دارای بیشترین شدت همبستگی با بعد گرایش‌های مثبت اجتماعی می‌باشد. این بدان معناست که هرچقدر کیفیت روابط اجتماعی و به طور دقیق‌تر اعتماد و هنجارهای همیاری از قبیل اعتماد به نزدیکان، دوستان، دیگران،

شرکت در جشن‌های احسان و نیکوکاری، احساس مسئولیت در مقابل دیگران، تمایل به کمک به مردم در مواقع بحران و... افزایش یابد، علائق و علائم مثبت اجتماعی مانند علاقه داشتن به انسان‌های دیگر و دوست داشتن آنها، تأثیر خوب و مثبت بر وقایع اطراف و اطرافیان، شوخ‌طبعی، خنده‌رو یا متبسم بودن، عصبی‌نبودن در ارتباطات اجتماعی، علاقه به شرکت در مهمانی‌ها و جشن‌ها به میزان بیشتری ظهور خواهد کرد.

- اگرچه بین میزان روابط اجتماعی و احساسات مثبت رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بر اساس داده‌های جدول فوق می‌توان نتیجه‌گرفت که با افزایش میزان تعاملات اجتماعی، بر میزان علائم مثبت اجتماعی، رضایت از زندگی و در نهایت شادمانی جوانان افزوده می‌شود.
- افزایش میزان سرمایه اجتماعی، افزایش میزان شادی جوانان را به دنبال دارد. این نکته در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و هریک از ابعاد شادی نیز قابل مشاهده است؛ به طوری که علائق و علائم مثبت اجتماعی در مقایسه با سایر ابعاد شادی بیشترین شدت همبستگی را در رابطه با سرمایه اجتماعی به خود اختصاص داده است.

۲. تحلیل چند متغیره

۱-۲- مشارکت نسبی متغیرهای مستقل بر میزان شادی

جدول ۵: تحلیل واریانس برای آزمون معنی‌داری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	13.380	2	6.690	16.498	.000 ^b
باقیمانده	153.274	378	.405		
کل	166.654	380			

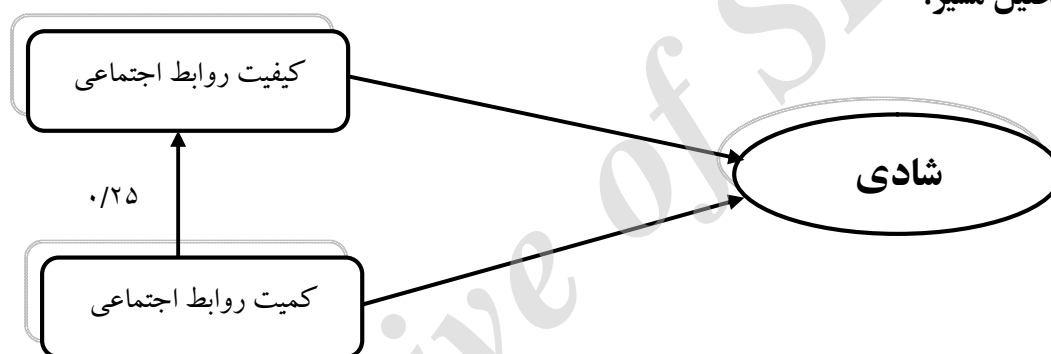
جدول ۶: متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی به روش گام به گام

متغیرهای وارد شده		ضرایب استاندارد ^۱		سطح معناداری	
کیفیت روابط اجتماعی		.237		.000	
کمیت روابط اجتماعی		.106		.038	
نتایج همبستگی	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین اصلاح شده	ضریب تعیین	مقدار F	سطح معنی داری F
	.283 ^b	.075	.080	16.498	.000 ^b
				مقدار ثابت	
				2.522	

^۱ - Beta

در این مرحله، به منظور تبیین میزان تاثیر و تعیین‌کنندگی هریک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر میزان شادی از تحلیل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است؛ به طوری که دو بعد کیفیت روابط اجتماعی و کمیت روابط اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل وارد رگرسیون شدند. همانطور که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر شادی برابر با ۰,۲۸ است. ضریب تعیین این خروجی نیز برابر ۰,۰۸۰ می‌باشد؛ بدین معنا که کیفیت روابط اجتماعی و کمیت روابط اجتماعی ۰,۰۸۰ درصد از تغییرات در میزان شادی را تبیین می‌نمایند. میزان F رابطه نیز برابر ۱۶,۴۹ می‌باشد و سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ می‌باشد- یعنی اینکه بین متغیرهای مستقل اصلی و وابسته رابطه معناداری وجود دارد و این حاکی از معنی‌دار بودن رگرسیون است. با توجه به بتا می‌توان گفت اثر کیفیت روابط اجتماعی بر میزان شادی برابر ۰,۲۳ درصد و اثر کمیت روابط اجتماعی برابر ۰,۱۰ درصد است. بنابراین، متغیر کیفیت روابط اجتماعی دارای بیشترین تاثیر مستقیم بر شادی جوانان است.

۲-۲- تحلیل مسیر:



جدول ۷: تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (شادی)

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	مجموع اثرات
کیفیت روابط اجتماعی	۰/۲۳	-	۰/۲۳
کمیت روابط اجتماعی	۰/۱۰	$(0,23) \times (0,25) = 0,057$	۰/۱۵

بر اساس مدل شماره ۲ می‌توان گفت که متغیر کیفیت روابط اجتماعی به طور مستقیم ۰/۲۳ درصد بر شادی اثر گذار است؛ درحالی که کمیت روابط اجتماعی علاوه بر اینکه به صورت مستقیم به میزان ۰/۱۰ بر شادمانی جوانان تاثیر می‌گذارد، به طور غیرمستقیم نیز از طریق افزایش کیفیت روابط اجتماعی منجر به افزایش شادی می‌شود.

طبق جدول فوق، مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر کمیت روابط اجتماعی برابر ۰/۱۵ می‌باشد؛ این درحالی است که کیفیت روابط اجتماعی ۰/۲۳ بر میزان شادی تاثیر دارد. بنابراین، متغیر کیفیت روابط

اجتماعی در مقایسه با کمیت روابط اجتماعی به میزان بیشتری در افزایش شادی جوانان موثر است. طبق نظر پاتنام، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر بنیادی‌ترین جز سرمایه اجتماعی است و شبکه‌ها به‌عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و هنجارهای همیاری مطرح می‌باشد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵). لذا افزایش متغیر میزان تعاملات اجتماعی، افزایش کیفیت روابط اجتماعی و در نهایت، افزایش شادی را به همراه دارد. در راستای پژوهش هلیول ۱ و پوتنام (۲۰۰۵) سرمایه اجتماعی بر روی شادی تاثیر مثبت و افزایشی دارد (برونی و استنکا، ۲۰۰۸ به نقل از اکبر زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵).

بحث و نتیجه‌گیری

جوانی به عنوان مهم ترین فصل زندگی هر فرد است که می‌توانند روند آینده زندگی و سرنوشت او را تا انتهای عمر رقم بزنند. وجود احساس شادی در میان جوانان، نشان از جامعه سالم و پر طراوت دارد. محور اصلی پژوهش حاضر، مطالعه جامعه شناختی وضعیت شادی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران می‌باشد. مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته در راستای این محور اصلی، نشان می‌دهد که بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران از قبیل داینر و بیسواس داینر، فرانسیس بیکن، چلبی، گیدنز، وینهوون و کالمیجن، ترنر و ... به نقش عواملی همچون: اعتماد، هنجارهای همیاری، روابط اجتماعی و به-طور کلی سرمایه اجتماعی در ایجاد شادی اشاره نموده‌اند. پژوهش حاضر نیز در تلاش است تا علاوه بر تحلیل جامعه‌شناختی مقوله شادی در بین جوانان، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان شادمانی بپردازد.

در بین پاسخگویان، میانگین احساسات خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی در بین جوانان مورد تحقیق بالاتر از حد متوسط است. در نتیجه، میزان شادی در بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. در این خصوص داینر و بیسواس داینر (۱۳۹۱) می‌گویند تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر مردم در اغلب مواقع تا حدودی شاد هستند. این نتیجه بارها مشاهده شده است، حتی زمانی که محققان مختلف، با استفاده از نمونه‌های متفاوت، روش‌های مختلف و حتی تعاریف متفاوت از شادی تحقیق نموده‌اند، اکثر آزمودنی‌ها گزارش کرده‌اند که در اغلب مواقع تا حدودی شاد هستند.

اگر چه میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد بررسی برابر ۵۱/۵۲ و کمی بالاتر از حد متوسط است، ولی کمیت روابط اجتماعی دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط است؛ این در حالی است که کیفیت روابط اجتماعی از میانگینی بالاتر از حد متوسط معادل ۵۹/۴۱ برخوردار می‌باشد. در این خصوص می‌توان به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم اینکه در دنیای کنونی، با وجود فعالیت‌های طاقت فرسای روزانه و حرکت در پیچ‌وخم‌های دشوار زندگی، انسان‌ها فرصت کمتری برای ایجاد روابط و تعاملات اجتماعی

¹ - Helliwell

دارند، ولی طبق نتایج این پژوهش، جوانان به دلیل عواملی از جمله میانگین بالای نشاط و شادمانی، به میزان زیادی در جشن‌های احسان و نیکوکاری شرکت می‌کنند و دارای احساس مسئولیت در مقابل دیگران، تمایل به کمک به مردم در مواقع بحران و... می‌باشند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، عوامل جمعیتی و خانوادگی از قبیل سن، جنس، منطقه سکونت، سطح تحصیلات خود و... هیچ تاثیری بر میزان شادمانی جوانان ندارد. در این خصوص آلزیک (۱۳۸۴) معتقد است هنگامی که محققان به بررسی عوامل جمعیتی موثر بر شادتر بودن برخی از مردم پرداختند، به نتیجه شگفت‌آوری رسیدند. هیچ یک از عوامل جمعیتی اصلی مانند سن، جنس، درآمد، موقعیت اقتصادی و نژاد رابطه زیادی با میزان شادی نداشت. بی‌تاثیری عوامل جمعیتی بر شادی را آگنوس کمپل و فلیپ کانورس و ویلارد راجرز به وضوح نشان داده‌اند (بابایی و خوئی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۷). مایزر (۱۳۸۸) می‌نویسد: "نکته‌ای که بسیاری از پژوهشگران نظیر رونالد اینگلهارت در آثار خود به آن اشاره می‌کنند، این است که پس از به دست آوردن حداقل نیازمندی‌های زندگی، پول بیشتر و بیشتر نمی‌تواند بازدهی قابل توجهی به همراه بیاورد؛ به عنوان مثال، در بررسی‌های به عمل آمده حتی افراد بسیار مرفهی که در فهرست ۱۰۰ نفر مجله فوربس حضور دارند، نسبت به افراد متوسط جامعه تنها اندکی شادمانی بیشتری داشته‌اند.

تجزیه و تحلیل دو متغیره در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین میزان اعتماد و ابعاد سه‌گانه شادی یعنی عواطف خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی، ارزیابی از زندگی و به طور کلی مفهوم شادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ترنر (۲۰۰۳) معتقد است که با گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه، گسترش دامنه روابط اجتماعی، فرد می‌تواند در شرایط نامطلوب، به کمک این افراد با آن شرایط مقابله کند و همین امر باعث می‌شود فشار روانی برآمده از چنین شرایطی را کاهش دهد. همچنین، نتایج تحقیق بیجرن اسکو (۲۰۰۸) بیانگر این است که اعتماد اجتماعی با شادی در ارتباط است.

با افزایش میزان هنجارهای همیاری، بر میزان شادی و به طور ویژه هریک از ابعاد شادمانی (بعد احساسی، بعد اجتماعی و بعد شناختی) افزوده می‌شود. آبی و آندریوس (۱۹۸۵) بر این باورند که یافته‌های تحقیق، همبستگی بین حمایت اجتماعی و بهزیستی را تایید می‌کند؛ به عنوان مثال، کسانی که از روابط نزدیک بهره می‌برند، با استرس‌های مختلف مثل سوگ، از دست دادن شغل و ... بهتر کنار می‌آیند (هادیان فرد و مظفری، ۱۳۸۳: ۸۷).

در خصوص رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و میزان شادی، یافته‌ها حاکی از تایید رابطه است؛ به عبارت دقیق‌تر، افزایش کیفیت روابط اجتماعی (پیوندهای ذهنی بین افراد)، افزایش میزان احساسات مثبت،

علائق و علائم مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی را به همراه دارد. داینرو بیسواس داینر (۱۳۹۱) به این نکته اشاره می‌نماید که توانایی ما در مواجهه با لحظات دشوار زندگی تنها با حمایت هیجانی و غمخواری عزیزانمان حاصل می‌شود (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۸). علاوه بر این، باتسون (۱۹۸۷) معتقد است که کمک به دیگران در موقع پریشانی، تجربه نوع دوستی ایجاد می‌کند که منبعی از هیجان مثبت است (آرگایل ۱۳۸۶: ۱۲۳).

طبق نتایج این پژوهش، هرچقدر جوانان به میزان بیشتری با دوستان، خانواده و... رابطه یا تعامل داشته باشند، به میزان بیشتری از گرایشات مثبت اجتماعی، ارزیابی مثبت از زندگی و به طور کلی شادی بیشتری برخوردار خواهند بود و در عین حال هرچقدر افراد جوان دارای علائق مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی بیشتری باشند، به میزان بیشتری با دیگران رابطه برقرار خواهند کرد. در اندیشه داینر و بیسواس داینر، بودن با مردم مفرح است. به عنوان مثال، شوخی و مزاح محصول تعامل اجتماعی هستند. آیا تا به حال توجه کرده‌اید که می‌توانید دیگران را سرحال بیاورید، اما نه خودتان را. به اشتراک گذاشتن تجارب با دیگران، لذت ما را از فعالیت‌ها افزایش می‌دهد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۸۰). هودلر و کلنن در سال ۲۰۰۷ دریافتند که روابط اجتماعی ارتباط قابل توجهی با شادی دارد. مایرز (۱۳۸۸) می‌نویسد: "بر اساس نظارت کارشناسان، ما انسان‌ها دارای ویژگی‌هایی هستیم که روان‌شناسان اجتماعی از آن به عنوان نیاز گسترده به تعلق یاد می‌کنند و با داشتن دوستی‌های نزدیک و یا یک ازدواج متعهدانه، می‌توانیم به آنچه که از آن به عنوان احساس خوشحالی زیاد یاد می‌شود، دست پیدا کنیم".

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه کلی پژوهش مبنی بر رابطه میزان شادی و سرمایه اجتماعی در سطح معناداری ۰/۰۰ تایید می‌گردد. لازم به ذکر است که این نکته در مورد رابطه میزان شادی و هر یک از ابعاد شادی نیز قابل مشاهده است. این رابطه مؤید مباحث و نظرات اندیشمندان و پژوهشگران متعددی از قبیل گیدنز، چلبی، آرگایل، طرفداران نظریه شبکه، پوتنام، داینر و بیسواس داینر، دیماتو، کاکس، ترنر و... مبنی بر وجود رابطه میان شادی و سرمایه اجتماعی است. اکبرزاده و همکاران ۱۳۹۲ به این نکته اشاره می‌کنند که رشد سرمایه اجتماعی در شبکه روابطی که میان کنشگران برقرار می‌شود، فرصت‌های ویژه‌ای را برای همه کنشگران حاضر و فعال در آن شبکه پدید می‌آورد. این کنشگران می‌توانند با بهره‌گرفتن از این فرصت‌ها و نیز پشتوانه همان روابط، هدف‌های شخصی خود را در شبکه روابط و در جمع، پیگیر شوند. این فرصت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی آنان را در تحقق اهدافشان ارتقا می‌بخشد و احتمال

موفقیت آنان را افزایش می‌دهد. بدین طریق می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی و افزایش آن به گونه‌ای که در تحقیقات نیز آمده است باعث ایجاد و افزایش شادمانی در افراد می‌گردد.

پیشنهادها

- انجام پژوهش‌های جداگانه برای مطالعه تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل در گروه‌های سنی مختلف به منظور غنای بیشتر نتایج پژوهش و تبیین تشابهات یا تفاوت‌ها در میان اقشار گوناگون در زمینه شادی و عوامل موثر بر آن؛
- ضرورت انجام پژوهش‌های دیگری در این زمینه بر پایه استفاده از آرای سایر نظریه پردازان و محققان با تکیه بر متغیرهای واسطه به منظور رسیدن به شناخت بهتر و بیشتری در مورد پدیده مورد مطالعه.

منابع

- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا و جانعلی زاده چوببستی، حیدر (۱۳۹۲) "بررسی تاثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان". جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۴۹)، شماره اول.
- -انصاری، ابراهیم؛ غضنفری، احمد؛ فرهنگیان، مینا و مکوندی، آریتا (۱۳۹۲) "بررسی عوامل موثر بر شادی در محیط کار شرکت ملی حفاری ایران". فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال ۷، شماره ۲۰.
- ایمان، محمدتقی، مرادی، گلرمد، حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۷) "بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان غیربومی دانشگاه های تهران و شیراز". رفاه اجتماعی. سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۶) روان‌شناسی شادی. فاطمه بهرامی و دیگران. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان
- بابایی، غلامرضا و خوئی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۹) "مشهد پژوهی"، دو فصلنامه شورای اسلامی شهر مشهد. سال سوم، شماره ۵.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر (۱۳۸۶) "شادی در فرهنگ و ادب ایرانی". فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم، شماره ۲.
- بخشی پور رودسری، عباس، پیروی، حمید و عابدیان، احمد (۱۳۸۴)، "بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان". فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال هفتم، شماره ۲۷ و ۲۸.
- بهزاد، داود (۱۳۸۱) "سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان، رفاه اجتماعی". شماره ۶.
- پناهی، محمدحسین و دهقانی، حمید (۱۳۹۱) "بررسی عوامل موثر بر شادی دانشجویان با تاکید بر مشارکت اجتماعی". جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴) "مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی". نامه‌ی علوم اجتماعی. شماره ۲۶.
- جعفری، ابراهیم میرشاه، عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت اله (۱۳۸۱) "شادمانی و عوامل- موثر بر آن". تازه‌های علوم‌شناختی. سال ۴، شماره ۳.

- جلیلیان، فرشته (۱۳۸۶) "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان درگیری در اعتیاد در بین جوانان ۱۸-۳۵ سال مراکز ترک اعتیاد شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- چلبی، مسعود و موسوی، محسن (۱۳۸۷) "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان". مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره نهم، شماره ۱ و ۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چارچوب مفهومی: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: طرح‌های ملی وزارت و ارشاد اسلامی
- حسین‌پور، جعفر (۱۳۸۹) "بررسی رابطه میزان مصرف رسانه و میزان سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی". پایان‌نامه دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسین‌پور، جعفر و معتمد نژاد، کاظم (۱۳۹۰) "بررسی رابطه میزان مصرف رسانه‌ها و میزان سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی". فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۶.
- خنیفر، حسین، بردبار، حامد و فروغی قمی، فریبا (۱۳۹۱) "بررسی رابطه بین سبک‌هویتی دانشجویان با شادی و ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای شادی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران)". فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال دوم، شماره ۱.
- خوشاوی، فاطمه (۱۳۹۰) "رابطه‌هویت‌دینی با شادمانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان نجف‌آباد". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی آموزش بزرگسالان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بهشتی.
- داینر، اد و بیسواس داینر، رابرت (۱۳۹۱) شادی ثروت بیکران روان‌شناختی. حسن عبدالله زاده، طاهر محبوبی، معصومه باقر زاده. تهران: انتشارت آذین مهر.
- دهقانی نژاد، حمید (۱۳۹۰) "رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان". پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربانی، رسول، ربانی، علی، عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۳(۸)
- ربانی، علی، ربانی، رسول و گنجی، محمد (۱۳۹۰) "رویکردی جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان". فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. سال دوم، شماره ۱.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱) "فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی (مجموعه مقالات درباره‌ی شاهنامه‌ی فردوسی)". تهران: انتشارات طرح نو

- رسولی، محمدرضا و پاک‌طینت، داود (۱۳۹۰) بررسی نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. فصلنامه فرهنگ ارتباطات. سال اول، شماره اول.
- رضوی‌زاده، ندا، نوغانی، محسن و یوسفی، علی (۱۳۹۱) "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۵۱-۲۵
- رنجبر، مهناز (۱۳۹۱) "بررسی جامعه‌شناسی شادکامی با تاکید بر رویکرد نظریه بازکاوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.
- ریاحی، محمد اسماعیل، وردی نیا، اکبرعلی و پور حسین، سیده زینب (۱۳۸۹) بررسی رابطه حمایت اجتماعی و سلامت روان. رفاه اجتماعی. سال دهم، شماره ۳۹.
- زارعی متین، حسن، بحیرانی، صدیقه و افتخاری غریب‌دوستی، ثریا (۱۳۹۰) بررسی تاثیر شخصیت در میان دانشجویان، فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال دوم، شماره ۱.
- سرشار، مرضیه (۱۳۸۸) "شادی و نشاط در فرهنگ ایرانی". رشد علوم اجتماعی. دوره دوازدهم، شماره ۳.
- سلطانی، طاهره و جمالی، مژده (۱۳۸۷) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی، مورد مطالعه: دانشگاه شیراز". فرایند مدیریت و توسعه. شماره ۶۸-۶۹.
- طریقه‌دار، ابوالفضل (۱۳۸۳) شرح و شادی (دیدگاه‌های فقهی درباره رقص، دست زدن و شادی). قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور
- کار، آلن (۱۳۸۷) روان‌شناسی مثبت (علم شادمانی و نیرومندی های انسان). ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات سخن
- کامران، فریدون، ارشادی، خدیجه (۱۳۸۸) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان". فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دوم، شماره سوم.
- گروسی، سعیده و شبستری، شیما (۱۳۹۰) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین زنان سرپرست خانوار در شهر کرمان". مطالعات اجتماعی ایران. سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳).
- گنجی، محمد (۱۳۸۷) "تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان". پایان‌نامه دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: نشرنی

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) پیامدهای مدرنیته. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- مایرز، دیوید (۱۳۸۷) فرهنگ و اجتماع: راز شادمانی. علوم سیاسی: سیاحت غرب. شماره ۶۰.
- مایرز، دیوید (۱۳۸۸) "راز شادمانی". میان رشته‌ای: مکاتبه و اندیشه. شماره ۳۳.
- مظفری، شهباز و هادیان فرد، حبیب (۱۳۸۳) "مروری بر شامانی و همبسته های آن. حوزه و دانشگاه" شماره ۴۱.
- میرزا بیگی، نازنین (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اخلاق شهروندی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- نوریان نجف آبادی، محمد و جهانگیر، نرجس (۱۳۹۰) "رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و سلامت روانی (مطالعه موردی: معلمان شهرستان تیران و کرون)، جامعه‌شناسی تاریخی" دوره ۳، شماره ۲.
- نیازی، محسن، شفائی مقدم، الهام و شادفر، یاسمن (۱۳۹۰) "بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب (۱۹ و ۲۰)". فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال دوم، شماره سوم.
- هزارجریبی، جعفر و آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۸) "بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی (با تاکید بر استان اصفهان)" جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره پیاپی (۲۳)، شماره ۱.
- Bartolini, Stefano, Bilancini, Ennio, Pugno, Maurizio (2013) **"Did the Decline in Social Connections Depress Americans' Happiness?"**. Social Indicators Research .Volume 110, Issue 3, pp 1033-1059
- Bjørnskov, Christian (2008) **"Social Capital and Happiness in the United States"**. Applied Research in Quality of Life .Volume 3, Issue 1, pp 43-62
- Hasnain, N ؛ Ansari, Shadab Ahmad and Samantray, Snigdha (2011) **"Spirituality and Happiness as Correlates of Well-being in Religious Women"**. European Journal of Social Sciences – Volume 20, Number 3:431-442
- Holder, Mark D and Coleman, Ben (2007) **" The Contribution of Social Relationships to Children's Happiness "**. J Happiness Stud, 10:329–349
- Kim, Sanghag(2011) **"Sociological studies on happiness in cross-national contexts: effects of economic inequality and marriage"**. University of Iowa: Theses and Dissertations: Iowa Research Online.

- Leung, Ambrose; Kier, Cheryl; Fung, Tak; Fung .Linda and Sproule, Robert"(2011) "**Searching for Happiness: The Importance of Social Capital**". J Happiness Stud ,12:443–462
- Lin, Jin-Ding; Lin .Pei-Ying and Wu, Chia-Ling (2011) "**Wellbeing perception of institutional caregivers working for people with disabilities: Use of Subjective Happiness Scale and Satisfaction with Life Scale analyses.**" Research in Developmental Disabilities 31, 1083–1090
- Miller, Evonne & Buys, Laurie (2008) "**Does social capital predict happiness, health and life satisfaction in an urban Australian community?**". Kōtuitui: New Zealand Journal of Social Sciences Online, 3(1), 15-20..
- Ram, Rati (2010) "**Social Capital and Happiness: Additional Cross-Country Evidence**". Journal of Happiness Studies. Volume 11, Issue 4, pp 409-418
- Rodríguez-Pose, Andrés, Berlepsch, Viola von (2014) "**Social Capital and Individual Happiness in Europe**". Journal of Happiness Studies , Volume 15, Issue 2, pp 357-386
- Sharma, Anita and Malhotra, Dalip (2010) "**Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents**". European Journal of Social Sciences – Volume 12, Number 4
- Turner, Bryan (2003) " **Social Capital, Inequality and Health: the Durkheimian Revival**". Social theory and health, Volume 1, Number 1
- Woolcock, Michael (1998) "**Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework**" Theory and Society27: 151-208

Sociological Study on Youth Happiness Status(with Emphasis on the Role of Social Capital)

Sharareh Mehdizadeh

Ph.D., Academic Member, Alzahra University

Mohammad Ganji

Ph.D., Academic Member, Kashan University.

Fatemeh Zara Ghias Abadi

Master Degree in Sociology, Alzahra University

Received:4 Jan. 2014

Accepted:8 Feb. 2014

Happiness is a mental status that can't be merely considered by mind attitude and regardless social conditions of people. Indeed, happiness is rooted in society, so that people happiness increase is an index of a good society. Accordingly, scientists views such as Gidnz, Chelbi, Argail, Turner, Danger and Bisvas Dayner... have been used to sociological study of youth happiness status and it's relationships with social capital. It would be searched by survey method on 18 -29 aged youth in Tehran. Descriptive findings show that pleasantness feelings mean, positive social trends and evaluation of life between studied youth are upper than medium .As a result, rate of happiness between respondents is higher than average slightly. Also, findings show that although, mean of social capital between studied youth is higher than average slightly, but quantity of social relationships have mean lower than medium. While average of quality of social relationships is equal to 59.41, Bivariate Analysis shows that there's a positive relation between quality of social relationships and youth happiness. Also there's a positive relation between quantity of social relationships and youth exhilaration. At last, according to Regression analysis, it can be concluded that quality variable of social relationships in compared with quantity of social relationships is more affectivein increase of youth happiness.

Keywords: Happiness, Quantity of Social Relationships, Quality of Social Relationships, Social Capital and Youth